

خروجی جلسه



نیاز استان به گروه های خونی منفی

مهديه مودی–در گروه های خونی منفی ذخایر موجود در استان طوری است که اگر ۲ بیمار متقاضی گروه خونی منفی همزمان مراجعه کنند شاید نتوان نیاز خونی را تامین کرد برای همین درخواست داریم گروه های منفی بیشتر اقدام به خون دهی کنند.

مدیر کل انتقال خون استان پنجشنبه گذشته در جمع خبرنگاران با بیان این که ۷۶/۴در صد خون جمع آوری شده در استان توسط مراکز خون گیری و تیم های سیار انجام می شود گفت: ۱۱در صد نیاز خون استان در طیس، ۵در صد در فردوس و ۶در صد در قاین تامین می شودو هم اکنون سازمان انتقال خون در استان به ۱۰ بیمارستان خدمات لازم را ارائه می دهدو ۱۰۰در صد نیاز خونی را تامین می کند.

دکتر «عاملی» در ادامه سخنانش با بیان این که سال ۹۳ یک شرکت که ای از مرکز انتقال خون استان بازدید و در سال ۹۴ مجوز ارسال پلاسما ی استان به کره برای تبدیل به فرآورده های خونی نیاز شد گفت هم اکنون ۷هزار واحد پلاسما در سردخانه های استان برای ارسال موجود است.

پلاسما باید در حد نیاز جمع شود و بعد از تایید سازمان انتقال خون کشور در اختیار شرکت های پالایشگر قرار گیرد.

وی با اشاره به این که پلاسما برای تهیه فرآورده های مورد نیاز خونی که در کشور صورت نمی گیرد به این کشور ارسال می شود ادامه داد: ارسال پلاسما به هیچ عنوان صادرات نیست و این امر باعث صرفه جویی ارزی برای کشور شده و فرآورده های تولیدی در اختیار وزارت بهداشت قرار می گیرد.
وی در مورد توسعه مرکز خون گیری میدان ابوذر بیر چند گفت : سیاست سازمان انتقال خون این است که مراکز را در سطح ۱۵ هزار نفر متمرکز کند به همین دلیل نیازی به توسعه مرکز میدان ابوذر دیده نمی شود ضمن این که سال گذشته برای راه اندازی پایگاه انتقال خون در نهبندان هم اقداماتی انجام شد اما بعد از نظر سنجی شرایط این شهرستان این امر منتفی شد.

- کمبود گروه های منفی**

وی با بیان این که بهترین جمعیت گروه خونی +0 است تصریح کرد: در گروه های منفی ذخایر موجود در اسان طوری است که اگر ۲ بیمار متقاضی گروه خونی منفی همزمان مراجعه کنند شاید نتوان نیاز خونی را تامین کرد برای همین درخواست داریم گروه های منفی بیشتر اقدام به خون دهی کنند.

وی یکی دیگر از مشکلات کم خونی را در بین بانوان عنوان کرد و گفت: علت پایین بودن اهدای خون در ایران توسط بانوان کم خونی آنان است و برخی از آنان هم از ترس کم خون شدن اقدام به اهدای خون نمی کنند اما در استان با توجه به این که بیشترین دریافت کنندگان گروه های خونی بانوان هستند نیاز به اهدا به علت تشابه شرایط توسط بانوان احساس می شود.وی با بیان این که خون های تاریخ گذشته و غیر قابل استفاده معدوم و سوزانده می شوند گفت: ۲ تا ۳در صد خون های اهدایی در استان قابل استفاده نیست و در ۴ ماه اول سال جاری با تلاش پزشکان و تعداد آزمایشات این مورد ۵۰در صد کاهش داشته است.
به گفته وی سال گذشته ۴ ماهه اول سال ۱۵ مورد خون غیر قابل استفاده داشتیم که در سال جاری به ۷مورد رسیده است.

- کمپین اهدای خون**

وی یکی از اقدامات سازمان انتقال خون را در جهت افزایش اهدای خون راه اندازی کمپینی با عنوان اهدای خون عنوان کرد و گفت: این کمپین از ۲۴ خرداد سال جاری آغاز به کار کرد و تا ۹ مرداد جاری ادامه داشت که بر اساس این کمپین اهدا کنندگان در پایگاه های انتقال خون از خود عکس سلفی گرفته و به صفحات اجتماعی ارسال کردند و بر اساس لایکی که به عکس داده شد و در سایت انتقال خون گذاشته شد به ۴۳ نفر به قید قرعه جوایز اهدا شد.

تربییون

خط کشی معابر شهر نهبندان

فرخی– عملیات خط کشی معابر اصلی و فرعی شهر نهبندان انجام شد.

شهردار نهبندان به اجرای عملیات خط کشی معابر اصلی و فرعی این شهر اشاره کرد و گفت: خط کشی راه از علایم ترافیکی مهم محسوب می شود که نقش موثری در کاهش سوانح رانندگی، روان سازی ترافیک و ایمنی شهروندان دارد.

مهندس «مدیح» کنترل ترافیک، تسهیل در امر عبور و مرور رانندگان و زیباسازی معابر شهر را از اهداف اجرای این پروژه عنوان کرد.

وی با بیان این که خط کشی ها به طول بیش از ۳۵ کیلومتر در بیشتر معابر شهر انجام شده است افزود: برای اجرای این پروژه اعتباری بیش از ۳۰۰ میلیون ریال تامین و هزینه شد.

وی با اشاره به عملیات رنگ آمیزی سنگ جدول معابر شهر هم گفت: این طرح به منظور زیبا سازی معابر شهر و با هزینه ای بیش از ۱۰۰ میلیون ریال در حال انجام است.

وی ادامه داد: رنگ آمیزی پایه های روشنایی بلوار های دانشگاه، بلوار معلم و میدان بسیج هم از دیگر اقدامات شهرداری بوده که برای زیباسازی معابر شهر انجام شد.

علیرضاضایی– اولین جلسه رسیدگی به اتهام دو متهم که اقدام به قتل و جنایت روی میت کرده بودند پنج شنبه گذشته با حضور اولیای دم، متهمان و وکلای آنان و با حضور قضات شعبه اول دادگاه کیفری یک استان برگزار شد.

به گزارش روزنامه خراسان جنوبی در ابتدای این جلسه قاضی «مضانی» طرفین را به آرامش دعوت کرد و گفت: از روی احساسات هرگز سخنی گفته نشود اخلاخل گران به مدت ۵روز روانه زندان می شوند.

«مضانی» در ادامه به بیان ماجرای پرونده پرداخت و افزود: ساعت ۹:۴۰ چهارم فروردین ماه اسما لپدری نگران به پلیس آگاهی شهرستان سراپان مراجعه می کند و اظهار می دارد که پسرм روز گذشته (سوم فروردین) برای صرف ناهار به منزل پدر همسرش رفته و چون همسر او در منزل حضور نداشته از آن جا بیرون آمده و دیگر از او خبری نشده است.

کارآگاهان آگاهی و ماموران انتظامی با دریافت این اطلاعات تحقیقات برای یافتن فرد مفقود شده را آغاز می کنند که در هنگام بازجویی از افراد مظنون فردی به آگاهی مراجعه و عنوان می کند که در مسیر کاخک تردد می کردم که دیدم دود غلیظی جاده را فرا گرفته و در پایین دره خودرویی دچار آتش سوزی شده است.

با گرفتن اطلاعات در این زمینه ظن کارآگاهان نسبت به احتمال حضور فرد مفقود شده در این ناححه بیشتر می شود و به موقعیت اعزام می شوند که در بررسی صحنه کارآگاهان متوجه شدند فردی در صندلی شاگرد خودرو دچار سوختگی و جسدوی متلاشی شده است. کارآگاهان با بررسی دقیق دریافتند که خودرو واژگون نشده و نقص فنی نداشته است بنابراین احتمال وقوع جنایت قوت گرفت که کارشناسان آتش نشانی هم آتش سوزی عمدی را تایید کردند.

- راز قتل**

قاضی ادامه داد: تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این جنایت ادامه داشت تا این که فردی که همسایه برادر همسر مقتول بوده به آگاهی سراپان مراجعه می کند و اظهار می دارد که من خودروی فرد مفقود را ساعت ۱۴:۲۰ به رانندگی خانمی مشاهده کردم.

با دادن اطلاعات این شهروند روند رسیدگی و ظن کارآگاهان به همسرفرد مفقودبیشتری می شود ووی تحت نظر و بازجویی قرار می گیرد که خانم (آ-ط) در اعترافی تکان دهنده راز قتل شوهر با همدستی فرد دیگری را فاش می کند و کارآگاهان همدست خانم که مر دی ۲۴ ساله بود را با هماهنگی مقام قضایی دستگیر می کنند.

قاضی «مضانی» پس از بیان جزئیات پرونده در ادامه از اولیای دم خواست تا شکایت خود را مطرح کنند.

پدر مقتول و ولی فرزند وی در جایگاه ایستاد و ضمن این که اشک می ریخت گفت: عروسم در حق پسرم نامردی کرده است.

پسرم وقتی همسرش را با این اقانتها داخل منزل مشاهده کرده با آنها در گیر شده و چون این ها دوفنر بودند او را کشته و سپس برای صحنه سازی ماشین و خودش را آتش زدند، حالا من از جانب

خودم و فرزند ۹ ساله پسرم تقاضا دارم اول زن جنایت کار و سپس متهم(ح-الف) را قصاص کنید تا عبرتی برای دیگران باشد.

در ادامه مادر مقتول در جایگاه ایستاد و همان ابتدا رو به عروشش با گریه گفت که چرا وقتی او را خفه کردی چیزی به من نگفتی؟ چرا فرزندم را سوختی؟ من نتوانستم موقع دفن با فرزندم دخدا حفظی کنم...

مگر پسرم چی برای تو کم گذاشته بود؟ خانه آنجانی و دو ماشين...

قاضی خطاب به مادر مقتول از وی خواست تا شکایت خود را بیان کند که وی پاسخ داد: من و شوهرم در جریان رابطه ای دوفنر (متهمان) نبوده ایم اما از گوشه و کنار حرف هایی می شنیدیم اما فکر نمی کردم بچه ام را اول خفه کنند و بعد او را آتش بزنند.

الان من به اعدام با طناب راضی نیستم بلکه باید مثل پسر من با بنزین سوخته شوند.

قاضی در ادامه متهم ردیف اول (ح-الف) را به جایگاه فرا خواند.

- خانم تلفن زد**

متهم که پسر دایی خود را به قتل رسانده بود با سری پایین در جایگاه ایستاد و گفت: متولد ۱۳۷۰ هستم و سابقه کیفری ندارم.

وی در بار ماجرای روز حادثه گفت: صبح به اتفاق دوستان بیرون رفته بودم و وقتی تلفنم در محدوده آنتن های قرار گرفت خانم زنگ زد گفت که من خانه برادرم هستم بیا اینجا.

ابتدا قبول نکردم چون خانه خواهرم برای ناهار معاوت در قتل مقتول (ح-الف) را به وی تفهیم کرد و از او خواست از خود دفاع کند.

متهم(آ-ط) گفت: به مدت ۱۰ دقیقه در خانه برادرم تنها شدم که به آقا(متهم ردیف اول) زنگ زدم و گفتم خانه داشم هستم که او آمد اما بعد هنوز از حضورم چیزی ندانسته بود که تلفن زنگ زد و خانم رو به من گفت که مادرش گفته پدرش دنبالش می آید، اما پس از این مکالمه تلفنی خود

مقتول دنبال همسرش آمد و تا به خودم آمدم زنگ خانه چندین بار به صدا درآمد.

دادو فریاد های مقتول را می شنیدم و من هم از ترس داخل کمد مخفی شدم که از داخل کمد صدای مقتول را شنیدم که می گفت: کجاست، می کشم.

متهم ادامه داد: مقتول در همان ابتدا به سراغ کمدی که من مخفی بودم آمد و مرا که لا به لای لباس ها مخفی بودم بیرون کشید و من روی تخت افتادم که با هم در گیر شدیم خانم دست مقتول را گرفته بود و من هم گردن او را و هنگامی که بیهوش شد او را روی تخت رها کردم.

متهم عنوان کرد: پس از آن مقتول را لای پتو پیچاندم و کشان کشان به سمت مطبخ (انباری) بردم و از آنجا خانم به خانه پدرش رفت و من هم به خانه خواهرم رفتم اما فکر می کردم(ح) مقتول به من زنگ بزند یا به سراغم باید تا این که بعد از حدود یک ساعت خانم زنگ زد و گفت: زود بیا خانه برادرم.(ح) تمام کرده است.

یکی دو دیگر حال خودم را نمی فهمیدم ماشین را اما از ترس خشکم زده بود و وارد اتاق نشدم اما وقتی صدای در گیری قطع شد در چار چوپ در اتاق قرار گرفتم که با کودی دست شوهرم مواجه

- خود را به دره پرت کردم**

متهم جوان با بیان این که من در میان فرزندان دایی خود با مقتول راحت تر بودم افزود: به سمت خانه حرکت کردم دو کچه مانده بود که به منزل برسم که ماشینم بی بنزین شد.

دویدم و زنگ خانه را زدم. خانم وسط حیاط گریه می کرد رفتنم با لای سر(ح) که دیدم تمام کرده است.

خانم ماشین را آورد در حیاط و جسد را گذاشتم داخل ماشین و به سمت جاده کاخک حرکت کردم ابتدا ۴ لیتر بنزین گرفتم و وقتی در جاده بودم تصمیم گرفتم خودم را با ماشین به دره پرت کنم که این کار را کردم اما با من هیچ کار نشد.

بعد ۴ لیتر بنزین را روی فرمان و صندلی راننده پاشیدم و با فندکی که بغل در بود ماشین را آتش زدم چون نمی خواستم اثری از من در این ماجرا بماند. متهم با اشاره به این که بعد از ۲۰ دقیقه خانم دنبال من آمد، عنوان کرد: به خدا من با مقتول مصومت نداشتم و قصد دفاع از خودم را داشتم.

قاضی پرسید شما که در پرونده به قتل مقتول و فاصله به راه افتادم، که در نزدیکی جاده کاخک جنایت علیه میت اعتراف کردید چرا حالا گفته های شما با اظهارات در پرونده تناقضی دارد؟ متهم در پاسخ گفت: ابتدا قصد کمک به خانم را داشتم چون فرزندش از نعمت پدر محروم شده بود دوست نداشتم مادرش را هم از دست بدهد بنابراین هم چیز را به گردن گرفتم.

- وارد در گیری نشدم**

در ادامه متهم ردیف دوم در جایگاه ایستاد و قاضی معاونت در قتل مقتول (ح-الف) را به وی تفهیم کرد و از او خواست از خود دفاع کند.

متهم(آ-ط) گفت: به مدت ۱۰ دقیقه در خانه برادرم تنها شدم که به آقا(متهم ردیف اول) زنگ زدم و گفتم خانه داشم هستم که او آمد اما بعد از مدت کمی تلفن خانه به صدا درآمد و مادرم آن طرف خط گفت:(ح) شوهرت دار دنبالت می آید که در آن لحظه ترسیدم.

متهم که از زیر چادر و روی کاغذ تمام گفته های خود را می خواند با اعتراض اولیای دم مواجه شد که در پاسخ گفت: استرس دارم و برای خودم یادداشت کرده ام.

متهم پس از تذکر قاضی به حضاران ادامه داد: وقتی که(ح-الف) قصد داشت از منزل خارج شود از پنجره شوهرم را دیدم که می خواست از روی دیوار وارد حیاط شود. متهم(ح-الف) رو به من کرد و گفت من مخفی می شوم و تو طبیعی رفتار کن. تابلو بازی نکنی، نترس او می رود.

وی عنوان کرد: شوهرم پس از ورود به هال یک مشت به بازوی سمت چپم زد و گفت: ماشین(ح) این جاست خودش کجاست؟ دوباره جلوی او ایستادم که یک مشت دیگر به بازوی سمت چپم زد گفت: وای به حالت اگر او را فراری داده باشی.

متهم اضافه کرد: شوهرم به داخل اتاق رفت و من در هال ماندم که صدای در گیری دو فنر را شنیدم.

یکی دو بار(ح-الف) متهم ردیف اول مرا صدا زد اما از ترس خشکم زده بود و وارد اتاق نشدم اما وقتی صدای در گیری قطع شد در چار چوپ در اتاق قرار گرفتم که با کودی دست شوهرم مواجه



جسدی در آتش

شدم و دیدم (ح-الف) از روی او بلند می شود. متهم ردیف دوم با بیان این که نقشه قتل شوهرم را از قبل کشیده بودم و این حادثه خیلی اتفاقی و تصادفی رخ داد افزود: هرگز از قبل برای مرگش خط و نشانی کشیده بودم چون شوهرم را دوست داشتم.(ح-الف) وقتی از اتاق بیرون آمد گفت کار تمام شده است.

به طور طبیعی برو خانه پدرت و من هم می روم خانه خواهرم. متهم گفت: بعد از گذشت یک ساعت پیام زد که برو خانه برادرت من هم به پهنانه حضور در خانه پدر شوهرم به منزل برادرم رفتم. از پا ری که در در اه پله ها بود فهمیدم که جسد به مطبخ انتقال پیدا کرده است. ترس تمام وجودم را گرفته بود.

(ح-الف) امد و گفت: ماشین را رپار داخل خانه که ماشین را آوردم داخل حیاط و او جسد را از لای پتو بیرون آورد و داخل ماشین گذاشت و من هم پتو را که به اندازه یک کف دست خون آلود شده بود شستم و با سبوسوار خشک کردم.

متهم افزود: من پشت سر ماشین (ح-الف) و با فاصله به راه افتادم، که در نزدیکی جاده کاخک دیدم(ح-الف) از پشت تپه بیرون آمد و بعد از توقف خودرو مرا به صندلی کنار هل داد و خودش راننده شد و بر گشتیم. در ادامه با دستور قاضی «مضانی» بخش هایی از بازسازی صحنه جرم در محل دادگاه پخش شد که اولیای دم و حتی همراهان متهم نیز گریه می کردند.

- رضایت نمی دهم**

با اتمام فیلم اولیای دم با صدای بلند گفتند تا زنده هستیم بخشش نخواهیم کرد.

باید قصاص شوند.

قاضی یک بار دیگر متهم ردیف اول را به جایگاه فرا خواند و ضمن تفهیم اتهام از او خواست تا آخرین دفاع خود را بیان کند.

متهم جوان گفت: خانم می گوید که وقتی که شوهرش را کشته ام داخل اتاق نبوده و بعد در چار چوب در قرار گرفته ام او دست های مقتول را گرفته بود و وقتی بی هوش شد خانم به اتفاق مقتول روی تخت افتادند ولی حالا می گوید من نقشی نداشتم.

متهم افزود: مقتول پسر دایی من است و من هم پسر عمه اش. اگر خانم آن روز اصرار نمی کرد حالا چند خانواده در این جا گرفتار نبودیم.

جناب قاضی من قصد کشتن مقتول را نداشتم فقط از خودم دفاع کردم اما دست های مقتول در دست خانم بود.

متهم در آخرین دفاع خود گفت: من هرگز قصد کشتن (ح) را نداشتم اما آتش زدن او را قبول دارم.

در ادامه متهم ردیف دوم (زن مقتول) آخرین دفاعیات خود را عنوان کرد و گفت: من فقط قصد کمک به متهم ردیف اول را داشتم. فکر می کردم دوفنر باشیم اعدام نخواهیم شد حالا می گویم من در قتل را قبول ندارم. قاضی «مضانی» ساعت ۱۱:۳۵ ختم رسیدگی به پرونده را اعلام و عنوان کرد رای دادگاه در مدت قانونی صادر و به طریقین پرونده اعلام خواهد شد.

حرف مردم

■ گلزار شهدای گمنام دیهوک بعد از ۳ سال محوطه سازی نشده است، چرا مسئولان اقدام نمی کنند؟

■ استاندار خراسان جنوبی به عنوان عالی ترین مقام دولت در استان باید پاسخگوی مسائل استان باشد، بنابراین مدیرانش را باید خودش انتخاب کند.

■ نماینده مردم بیرجند، درمیان و خوسف کمبودهای بهداشت و درمان خوسف را به گوش وزیر بهداشت برسانید. مردم خوسف با مشکلات زیادی مواجه هستند.

■ با این که سیستم های دیجیتال برای پخش شبکه های سیما در بیشتر نقاط استان و حتی در برخی روستاها نصب شده، در سربان شبکه های تلویزیونی با امواج ضعیفی به صورت قطع و وصل های مکرر دریافت می شود، مسئولان صدا و سیما پاسخ دهند.

■ سازمان صنعت نظارت خود را بر افزایش بی رویه و تفاوت قیمت اجناس در مرکز استان بیشتر کند.

پیگیری حرف مردم

روشنایی معابر مطابق استانداردهای ابلاغی است

«چرا روشنایی کوچه های خیابان شهید مفتح بیرجند کم است؟ در شب برای مسن ترها و بچه ها خطر آفرین است. مسئولان رسیدگی کنند.» این پیام ۲۹ فروردین سال جاری در ستون حرف مردم چاپ شد.

بر اساس اعلام روابط عمومی شرکت برق استان، معابر خیابان مفتح بیرجند هم مانند سایر معابر شهر بر اساس برنامه و سرویس دوره ای مورد بازدید قرار می گیرد و روشنایی آن مطابق استانداردهای ابلاغی از شرکت توانیر و وزارت نیرو کنترل می شود. لذا در زمینه کافی نبودن روشنایی معابر مورد با کر آدرس دقیق عنوان شود تا همکاران شرکت برق رسیدگی کنند.

نیلوفرانده



صندوقچه راننده تاکسی

فرخ نژاد– ساعت ۸ گذشته و من هم چون قرار ملاقات ساعت ۸ بوده استرس زیادی دارم، از آن طرف خیابان دست بلند کرده و از راننده تاکسی تقاضای درستی می کنم او هم کمی جلوتر نکه می رود و سوار می شوم، هر چند ذهنم در گیر ساعت ملاقات و دیر رسیدن سر قرار است اما صندوقچه جویی قدیمی که راننده روی داشبورد خودرو قرار داده توچه را به خود جلب می کند قبل از این که چیزی بگویم می گوید: این صندوقچه دارای ۴ قفسه کدام از این قفسه ها به اسکناس های ۵۰،۲۰،۱۰،۵ می گیرد ۵۰، ۲۰، ۱۰ و ۵۰ تومانی است. یکی ظرف پلاستیکی کوچک هم کنار دستش دارد که پر از پول خرد است از ۱۰ تومانی گرفته تا ۵۰ تومانی.

این راننده خوش ذوق که به فکر روز مبادا هم است در پوش فرمان را بر می دارد و پولی را که در آنجا جاسازی کرده است نشام می دهد. می گویم: خوب فلکی دارید هیچ کس فکرش به اینجا نمی رسد که در آن پول جاسازی کند. اما پول های بیشتر از دو هزار تومان را در سمت راننده در زیر پوششی که برای داشبورد گذاشته قرار می دهد.

علاوه بر این در جیب هایش هم اسکناس های هزار و دوهزار تومانی را می گذارد.

می گوید: از صبح تا شب که کار کنی دست بالا که بگیري در آمدت ۲۵ هزار تومان است و این در حالی است که هزینه و استهلاک خودرو بیش از ۶۰ هزار تومان می شود اما خدا را شکر که همین روزنه هم برای رزق و روزی حلال باز است. راننده در مسیر از خلایقش می گوید و من که غرق در صحبت هایش شده ام خود را به ناگاه در مقصد می بینم.

نمایشگاه و فروشگاه بزرگ مبیل
شاهین
 قیمت ، قیمت شکن ها را شکستیم
 فروش فوق العاده مبیل در مبلمان شاهین
 به قیمت درب کارخانه تهران
 فروش ویژه زیر نظراتحادیه
 از خرید خود پشیمان نخواهید شد
 این فروش مُدت محدودی دارد
 میدان شهءاء - ابتدای خیابان شهید منتظری (خاکی سابق) تلفن : ۳۲۲۲۴۶۳۲

تعمیرات لوازم خانگی
 لبا سشوی – ماکدو فر
 کولر - مایه برقی - پلنکه
 آرمیوه گیری - های سلا و...
 آدرس : نبش انقلاب -۶ -شهریاری
 ۳۲۲۲۹۱۱۷ -۰۹۱۵ ۱۶۴ ۳۲۷۸

چاپ پایتخت
 چاپ روی انواع پارچه ،
 تیشرت ، لباس کار و
 لباس ورزشی ،لبوان ،MDF،
 چهار راه اول توحید،میرزا کوچک
 خان شرقی- ۰۹۱۵۷۲۱۱۳۲۵

فروشگاه لوازم گازسوز
 و کولر عبدالهی
 عرضه کنندۀ انواع لوازم کولر:
 در بچه ، بوشال ، قسمه ، چهار بابه و...
 بین لولپ ۹ و چهار راه شهید مطهع
 ۳۲۲۲۵۰۶ -۳۲۲۲۹۱۱۷

زیباترین
 وب بهادانذنی ترین
 سخنان مشاهیر
سخن بزرگان
 در صفحه، همشهری سلام،